

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ - بهاء ۱۰ ریال

به مناسبت سالگرد فاجعه

سینما رکس آبادان



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مصاحبه‌ای با بازماندگان شهدای سینما رکس آبادان

مثنی را که ملاحظه میکنید مصاحبه‌ای است که هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - آبادان بتاريخ ۵۹/۴/۲۴ با بازماندگان شهدای

بقیه در صفحه ۷

و بده ناعه سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان

مردم ایران پشتیبان خانواده شهدای آتش سوزی سینما رکس و خواهان افشای کامل همه دست اندرکاران این جنایت هولناک می باشند

دومین سالگرد بزرگداشت خاطره شهدای سینما رکس آبادان فرا میرسد، بدون آنکه پس از گذشت بیش از یکسال ونیم ز عمر جمهوری اسلامی، عاملان واقعی این فاجعه دلخراش در پیستگاه مردم فشا شده و بسزای اعمال جنایتکارانه خود برسند. اکنون میتوان گفت که کمتر کسی است که نداند محافل معینی در درون هیئت حاکمه هستند که از افشای اسامی عاملین این جنایت وحشت دارند. درست از همین رو بوده است که از بقیه در صفحه ۲

افشاگری بازماندگان شهدا در حضور عده‌ای از مردم مبارز آبادان بتاریخ ۵۹/۲/۲۷ و ۵۹/۳/۳

هما نظور که در متن مصاحبه با بازماندگان شهدا ملاحظه می کنید به نوار افشاگران بازماندگان اشاره شده است متن پیناده شده نوار افشاگریهای بازماندگان بدست ما هم رسیده که ما اینها قسمینهای از آنرا عینا نقل می کنیم :

"بنا خدا و بیاد شهدای سینما رکس آبادان"
"همشهریان مبارز هما نظور که قبلا بر شمرده بیم حسین تکبعلی زاده که هم اکنون در زندان است به همراه چند نفر از دوستانش که در جریان آتش سوزی سوختند ،

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱ مردم ...

آغاز تحصن با زماندگان شهیدان این فاجعه، توطئه‌های فراوان و متنوعی در جهت پراکندن و به شکست کشاندن این تحصن تاریخی (که نزدیک به سه ماه بطول انجامیده) بگریبان افتاده است، سکوت طولانی هیئت حاکمه در مقابل این جنایت و جلوگیری از افشا و محاکمه علنی عاملین آن، اعزام دسته‌های چماقدار بقمدها رساندن متحصنین و سرانجام لشکرکشی سپاه پاسداران به محل تحصن و بیرون راندن آنها از یکطرف و دروغ پراکنی‌های پایان ناپذیر مقامات محلی و مملکتی بقصد فریفتن افکار عمومی از طرف دیگر، از جمله این اقدامات است که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت تاریخی صورت گرفته است.

لکن علیرغم اینها، مبارزه خانوادگی شهید که از پشتیبانی بی دریغ مردم آگاه آبادان و حمایت فعال نیروهای انقلابی برخوردارند، ادامه داشته و بی‌تردید تا حصول نتیجه قطعی ادامه خواهد داشت.

در اینجا با بررسی اجمالی آنچه که طی نزدیک به چهار ماه تحصن با زماندگان گذشته، کوشش شده است کامی در جهت کشف حقایق برداشته شود.



با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس، از روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ با صدور نخستین اطلاعیه خود اعلام داشتند که بمدت ۳ شبانه روز در محل اداره رایش آبادان دست به تحصن خواهند زد و متذکر شدند که چنانچه به خواستهایشان رسیدگی نشود، تحصن خود را تا رسیدن به نتیجه قطعی ادامه خواهند داد. خواستهای متحصنین عبارت بودند از:

۱ - اعزام بازپرس ویژه برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس آبادان و تشکیل هر چه سریعتر دادگاه علنی.

۲ - اعلام خواسته‌های با زماندگان از راه دیووتلوویزیون سراسری.

۳ - طرح خواسته‌های با زماندگان در حضور بازپرس ویژه و پخش آن از راه دیووتلوویزیون سراسری.

بدنبال صدور این اطلاعیه و تحصن با زماندگان در محل اداره رایش، توطئه‌ها و تحریکات عناصر معلوم الحال برای برهم زدن این تحصن عادلانه، آغاز شد. محافل معینی که خود در آتش زدن جنایتکارانه سینما رکس دست داشتند، اکنون خطر را احساس می‌کردند و لذا دسته‌های چماقدارشان را برای برهم زدن تحصن به

سرعت با زمان داده و وارد کاخ را نمودند.

درست دو روز بعد از آغاز تحصن، آقای آذری قمی با زماندگان را به لقب رایج "ضدانقلاب" مفتخر نمود! اگرچه وی روز بعد چارشد این اتهام را تکذیب کند، لکن اقدامات عملی وی در روزهای بعد، جبهه‌گیری را در مقابل متحصنین نشان داد. ما جرابدین ترتیب بود که روز ۵۹/۲/۱ ما مورین شهر بانی که حفاظت از محل تحصن را بعهده داشتند، بطور ناگهانی محل را ترک کردند. وقتی متحصنین علت این حرکت مشکوک را از طریق مسئولان شهر بانی پیگیری کردند، دریا فتند که این کار بدستور مستقیم آقای آذری قمی صورت گرفته است تا حمله چماقداران به اجتماع با زماندگان با مانعی مواجه نشود! لکن علیرغم این توطئه‌ها، تحصن همچنان ادامه داشت و با زماندگان طی تلگرامهای متعددی به مسئولان مملکتی و تمامی جراید کثیرالانتشار، خواهان رسیدگی به پرونده آتش‌سوزی می شدند.

اینکه نه تنها طی چهارده ماه (از بهمن ۵۷ تا آخر فروردین ۵۹) از حکومت جمهوری اسلامی، هیچگونه اقدامی در جهت روشن ساختن علل این فاجعه در دادگاه و شناسایی عاملین جنایتکار آن صورت نمی‌گرفت، بلکه مقامات محلی حتی تمامی سانسراسر بود که تحصن را برهم بزنند، با زماندگان را بدانس فکسر که دستهای نیرومندی در درون هیئت حاکمه مانع از افشای این جنایت است، سوق میداد.

سرانجام هیئت حاکمه پس از ۱۵ ماه سکوت و سپری شدن ۱۲ روز از تحصن با زماندگان هیئتی را با صلاح برای بررسی پرونده به آبادان اعزام نمود. لکن همانطور که پیش بینی میشد این هیئت نه برای روشن ساختن امر که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت ما موریت داشت. هیئت با صلاح بررسی کار خود را در پشت درهای بسته و بدون کوچکترین تماس با خانواده شهدا بپایان رساند! این اقدام بدرستی مورد اعتراض متحصنین واقع شد. بطوریکه اطلاعیه شماره ۷ با زماندگان مورخ ۵۹/۲/۹ ترس هیئت حاکمه را از محاکمه علنی و افشای عاملین فاجعه را گوشزد نمود. در این میان دوشن از بازاریان سرشناس آبادان بناهای حاج خرمی و حاج ابراهیمی با نواع کوششها دست میزنند تا مانع افشای این جنایت شوند. جبهه‌گیری آنها در مقابل متحصنین واقدماتشان چه در مورد آزاد کردن برخی از افرادی که با آنها شرکت در آتش‌سوزی دستگیر شده

همچنان بی‌فایده و بی‌اثر می‌ماند. با زمانندگان شهدا برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس از آقای شیخ علی‌تهرانی می‌خواهند که بررسی و قضاوت در مورد این پرونده را بعهده بگیرد، ولی علیرغم موافقت آقای تهرانی، بعلمت کارشناسی دادستانی وقت (ها دوی) این امر میسر نمی‌شود. هیئت حاکمه همچنان تمامی کوشش خود را بکار میبرد تا مبادا عاملین اصلی این فاجعه شناخته شوند.

اکنون که دو سال از این فاجعه در دنیا می‌گذرد، و چند روزی بیشتر به سالگرد این جنایت هولناک و



مطرح شدن مجدد آن نمانده است، هیئت حاکمه بدست و با افسانده و از یکطرف وانمود می‌کنند که با صلاح در حال بررسی پرونده و شناسایی عاملین فاجعه است و از طرف دیگر بر علیه متحصنین لشکرکشی می‌کند. در نخستین ساعت روز شنبه ۵۹/۵/۱۱ حدود ۲۰۰ نفر از ساداتان مسلح به اجتماع با زمانندگان یورش برده و بطرز خونریزی متحصنین را از محل اداره رایشی بیرون می‌رانند. زمینه این حمله از روز قبل در نماز جمعه توسط حجت الاسلام جمی امام جمعه آبادان فراهم شد و بوسیله اطلاعیه فرمانداری آبادان مسجل گشته بود. نکته‌ای که می‌بایست بدان توجه داشت، اینست که طبق بررسی‌های گاه‌زطرف خود با زمانندگان صورت گرفته، خود این آقای جمی، امام جمعه از دست‌اندر کاران آتش‌سوزی سینما رکس بوده است و لذا تحریکات ایشان تنها می‌تواند دلیل دیگری بر تائید این امر باشد. بهر رو هم اکنون بعد از مدت‌ها تحمل سختی و فشار، تحت رذیلانه‌ترین توطئه‌چینی‌ها، مقاومت با زمانندگان همچنان ادامه دارد و جنایتکاران نخواهند توانست چهره‌گریه خود را بیش از این پنهان کنند ■

بودند و چه در مورد سنگ اندازی و کارشناسی در مقابل تشکیل دادگاه علنی شرکت این دو تن را در این جنایت و یا حداقل همدردیشان را با جنایتکاران بوضوح نشان داد.

تحصن، در میان جوی از توطئه، تحریک و دروغ - پراکنی هیئت حاکمه علیه با زمانندگان از یکطرف و حمایت بیدریغ مردم و نیروهای انقلابی از طرف دیگر همچنان ادامه پیدا می‌کند. طی این مدت هیئت حاکمه می‌کوشد تا فاجعه سینما رکس را در وجود تنها یک فرد بنام حسین تکبعلی زاده، که به همراه سه تن دیگر سینما رکس را به آتش کشیده‌اند (این سه تن خود نیز در آتش سوختند) خلاصه کند، ولی با زمانندگان که بخوبی دستهای نیرو- مندی را در پشت سر تکبعلی زاده حس می‌کنند، خواهان افشا و محاکمه کلیه افرادی هستند که تکبعلی زاده یکی از آنها و عامل مستقیم آتش زدن سینما بوده است. جالب اینکه شخصی اخیر خود با رها خواسته است که همه حقایق و از جمله اسامی عوامل پشت پرده این فاجعه را در یک دادگاه علنی در اختیار عموم ملت قرار دهد. لکن مسئولان مملکتی از ترس افشاشدن توطئه‌گران و طراحان اصلی فاجعه، نه تنها با تشکیل چنین دادگاهی شدت مخالفت بلکه مانع از آن میشوند که حسین تکبعلی زاده با هیچ فردی ملاقات نماید! سخنرانی‌هایی که در مساجد و رادیو و تلویزیون آبادان میشود سخوی بی‌انگیزه‌ها را رژیم زافسای چهره جنایتکاران است. به عنوان نمونه آقای کرامی یکی از وعاظ شهر در یک سخنرانی در حسینیه اصفهانیها که در تاریخ ۵۹/۳/۹ ایراد کرد، آشکارا به مخالفت با تشکیل دادگاه علنی پرداخت.

بموازات استقامت و بیداری با زمانندگان در تحقق خواسته‌های عادلانه‌شان، توطئه‌گران جنایتکار نیز به مدت حملات خود می‌افزایند تا شاید بزور جفا (واکر لازم شد بضر کلوله) متحصنین را به عقب نشینی و دست‌شستن از مقاومت وادار نمایند. روزهای پنجشنبه ۲۲ جمعه ۵۹/۳/۲۲ دسته‌های چماقدار "حزب الهی" بقمدر کوب با زمانندگان به محل تحصن هجوم می‌برند لکن عزم متحصنین را سخ‌تر از آن بود که با یورش مثنی او با شش‌سنگ خود را خالی نمایند، متحصنین در اطلاعیه‌ها - های خود تلاش‌های مذبحانه ضد انقلابیون را افشا کرده و خشم و نفرت مردم مبارزان آبادان را از دسته‌های چماقدار برمی‌انگیزند.

تلگرافها و نامه‌های متعددی که از جانب با زمانندگان به مراجع مختلف مملکتی ارسال میشود،

بقیه از صفحه ۱ افشاگری...

سینما را به آتش کشیدند. ما در پشت اجرای این طرح توسط چند نفر مذکور، یک جریان را میبینیم و معتقدیم که دادگاه علنی میبایست افشاکننده ارتباط این چند نفر با جریان پشت پرده‌ای که طراح آتش‌سوزی سینما رکس بوده است باشد. اکنون هیئت حاکمه و انمودمی کند که طراحان و مجریان این جنایت فجیع چهار نفر جوان بیگانه بودند که خود سرانهدست به این عمل زده‌اند مسئولین دولتی برای خاموش کردن ما گفتند از نظر دولت دستگام قضایی مملکت این پرونده بسته شده است و ما برای شما حسین تکبعلی زاده را اعدام می‌کنیم. (این گفته آقای صباغیان باز پرس پرونده است که در تیرماه ۱۳۵۸ و در حضور جمعی از با زماندگان و آقای زرگردان انقلاب اسلامی آبادان در دادگستری آبادان گفته است) هم اکنون که ما با زماندگان به آخرین راه‌چاره رسیده‌ایم و حدود ۲۷ روز است که دست به تحمّن زده‌ایم و تصمیم داریم تا تشکیل دادگاه علنی به تحمّن خود ادا می‌دهیم. هم اکنون که بعد از ۲۷ روز تحمّن با زهم مسئولین مملکتی روش توطئه آمیز سکوت و بی‌تفاوتی را در مقابل ما پیش گرفته‌اند و به هیچ عنوان زیر بار خواسته‌های برحق ما که همانا تشکیل دادگاه علنی و محاکمه و مجازات شما می‌دانند کاران و طراحان این فاجعه میباید نمی‌روند و حاضر به افشای این فاجعه نیستند، ما خود دست به افشای مفاد پیری از اطلاعاتی که در رابطه با این فاجعه داریم خواهیم زد و شما مردم شریف رانا حدودی در جریان خواهیم گذاشت.

با زماندگان شهدای سینما رکس افشاگرهای خود را با استناد به نامه‌های مکشوفه از جیب تکبعلی زاده چنین آغاز میکنند: حسین تکبعلی زاده با پیروزی انقلاب و ضمن شکسته شدن در زندان‌ها فرا کرده و بلافاصله به اصفهان می‌رود و اینبار قصد ملاقات با "آیت الله طاهری" در اصفهان را داشته است. اینجا این سؤال پیش می‌آید که چه رابطه‌ای بین او و عنوان یکی از عاملین آتش‌سوزی و آیت الله طاهری وجود دارد؟ ما حسین موفق به دیدار طاهری نشده‌ایم و از آنجا به تهران و سپس به آبادان بر میگردیم و مستقیماً پیش آقای "رشیدیان" و آقای "کیاوش" می‌روند. ما سؤال می‌کنیم چه ارتباطی می‌تواند بین حسین تکبعلی زاده و این دو نفر وجود داشته باشد؟ چرا بین دو نفر تکبعلی - زاده را دستگیر نمی‌کنند و آیا لازم نبود که او را به مردم

معرفی کرده و با مردم و بخصوص با زماندگان رادر جریان می‌گذاشتند؟ چه دلایلی وجود داشت که این آقایان در این مدت سکوت نمایند؟ با زماندگان شهدا سپس نامه‌ای را که حسین تکبعلی زاده به مجله جوانان نوشته می‌خوانند و این نامه را در اعتراض به چاپ عکسش بعنوان عامل آتش‌سوزی در آن مجله نوشته است. نامه مذکور بعد از دستگیری تکبعلی زاده توسط بازماندگان از جیب او کشف شده است. با زماندگان شهدا اظهار میدارند که تکبعلی زاده در پایان نامه اش چنین مینویسد:

"با بد در آذربایجان آوری کنم که من با پیروزی اولیه انقلاب اسلامی من قصد رفتن به فلسطین را داشتم که متأسفانه با این کار جالب و ماجراجویانه شما (چاپ عکس در مجله جوانان - پیکار) می‌بایست مدتی انتظار بکشم."

ما سؤال میکنیم چه کسانی مقدمات رفتن تکبعلی زاده را به فلسطین فراهم کرده‌اند که این چنین او از رفتن به فلسطین دم میزند. حسین بعد از پیروزی انقلاب بیدیدار ما به تهران می‌رود اما موفق نشده و خود را به کمیته انقلاب آبادان معرفی می‌کند که از آنجا به تهران به حضور آقای "هاشم صباغیان" در کاخ نخست وزیری فرستاده می‌شود آقای صباغیان به او میگوید: "معملاً بروید تا بعد از حضارت کنم" (طبق گفته خودش). ما سؤال میکنیم: چرا آقای صباغیان عامل کشتار آتش‌سوزی سینما رکس را آزاد میکند؟ آیا در کاخ نخست وزیری میان این دو چه چیزی رد و بدل شده که منجر به آزادی حسین از طرف هاشم صباغیان می‌گردد و صباغیان این چنین راحت شخصی را که متهم به آتش‌سوزی سینما رکس و شهادت بیش از ۱۰۰۰ نفر می‌باشد بدون اینکه ما با زماندگان و بطور کلی مردم ایران رادر جریان بگذارد آزاد میکند.

با زماندگان شهدا پس از خواندن یک تلگراف و یک نامه از تکبعلی زاده به هاشم صباغیان چنین ادا می‌دهند. بعد از طی این مراحل حسین تکبعلی زاده نامه‌ای به قم به دفتر امام خمینی می‌نویسد (این نامه پیش ما موجود است). قسمت‌هایی از این نامه را می‌آوریم که خود کوبای حقایق سر بسته‌ای در مورد فاجعه سینما رکس و طراحان آن می‌باشد:

بسم الله قاصم الجبارین

"من حسین تکبعلی زاده یکی از فرزندان جانباز اسلام که بیگناه و طبق یک توطئه حساب شده در معرض

دستگیر کنید؟ ۲۸ ماهه صفر سال گذشته یکی از مساداران با زمانده بعنوان اعتراض به مجازات نشدن عاملین فاجعه، بمنزل آقای جمی مراجعه می کند. آقای جمی در جواب این مادر که خواستار محاکمه علنی و پخش آن از تلویزیون است می گوید :

"ما این کار را نمی کنیم ، حسین را بیاوریم پشت تلویزیون که چی بشود که دروغ بگوید؟"
 آقای جمی چه ترسی از محاکمه علنی حسین تکبعلی - زاده و گفته های وی دارد؟ حسین تکبعلی زاده مصرا تا کید می کند در صورتی حاضر است همه حقایق را بگوید



که دادگاهش علنی و از رادیو تلویزیون سراسری پخش شود .

مادر اینحامن سندی را ارائه می دهیم که نشان دهنده مراجعه تکبعلی زاده نزد عواملی در قم میباشد که آنان برای حسین سفارش می کنند .

"قم - تهران

خیابان امام خمینی گارا ژفرجام
 آقای "اسماعیل آقا" حامل نامه
 حسن آقارابه محمدتقی معرفسی
 نماید ."

ما سوال میکنیم این چه جریان و اشخاصی در قم هستند که این چنین دست به حمایت از حسین تکبعلی - زاده که بعنوان عامل اصلی فاجعه سینما رکس معرفی گردیده ، زده اند؟

هما نظیر که در اطلاعیه شماره ۳ خود عنوان کرده ام وقتی برای درخواست نوار فیلم مربوط به مصاحبه

اتهام آدم سوزی سینما رکس آبادان قرار گرفته ام و عکس مرا هم در مجله جوانان چاپ کرده اند... و اینک که بخواست پروردگار بیلند مرتبه وقیام تمام اقشار ملت طاغوت نابود شده و اسلام چهره پیروز مند و عدالت پرور خود را نشان داده است . (به این قسمت خیلی توجه کنید - با زماندگان شهدا) من که قرار بود از سوی روحانیت مبارز این ما موریت چندش آور را به عهده داشته باشم اینک با تغییر رژیم خودکامه محمدرضا بی بی به جمهوری رهایی بخش اسلامی ساواکی معرفی شده ام
 ما سوال میکنیم چه کسانی حسین را ساواکی معرفی کرده اند؟ ساواک که خود اینکار را نمی کند (خود را عامل چنین جنایتی معرفی نمیکند) حسین تکبعلی زاده از چه کسانی گله مند و ناراحت است که می گوید "من که قرار بود از سوی روحانیت مبارز این ما موریت چندش آور را به عهده داشته باشم اینک با... ساواکی معرفی شده ام؟"

باز سوال ما از مسئولین مملکتی شورای انقلاب رئیس جمهور و بطور کلی هیئت حاکمه اینست که این روحانیت مبارز که به قول تکبعلی زاده ما موریت چندش آور آتش زدن سینما رکس و قتل عام بیش از ۱۰۰۰ نفر انسان بیگناه را به وی و دوستانش واگذار کرده بودند چه کسانی هستند؟ در قسمت دیگر نامه تکبعلی زاده به دفتر ما آمده است :

"اینک با این وضعی که برایم پیش آمده نمیتوانم برای امرار معاش خود و خانواده ام اقدام به کار کردن کنم و نه می توانم (توجه کنید) در جلسات شمر بخش روشنگرانه آیات عظام و برادران سخنور حاضر شوم . از آن رهبرانگاه و پیدر مهربان دلسوز تقاضا دارم که ترتیبی دهید که هر چه زود تر به کارم رسیدگی شود ."
 در زیر نامه حسین متنی نوشته شده است که از این فرار است :

بسمه تعالی

"آقای حسین تکبعلی زاده در باره مطالب فوق به خدمت حدة الاسلام والمسلمین جناب آقای جمی که از روحانیون مبارز و متعهد و مسئول آبادان است مراجعه کنید و مطمئن باشید در پیشگاه عدل الهی در صورت آلوده نبودن به این گناه نجات خواهید یافت ."

سه شنبه ۵۹/۳/۱

دقیقا یکسال از ارسال این نامه و معرفی تکبعلی زاده به آقای حجت الاسلام جمی میگذرد . آقای جمی چرا آن زمان سکوت کردید؟ لازم نبود حسین را

"رزمی جلاد" و "گریمی" که در زمان شاه بعد از فاجعه انجام گرفته بود به رادیو تلویزیون مراجعه کردیم. مسئولین جواب دادند که نوار در آرشیو موجود نیست و آقای قطب زاده آنرا به تهران برده است.

سوال می‌کنیم آقای قطب زاده چرا به این عمل دست زده است و چه ترسی از افشای این فاجعه دارد؟ قطب زاده انگیزه‌اش از بردن نوارها به شیوه زنده‌ها چه بوده است؟

مردم آبادان بیاد دارند که در زمان فاجعه عنوان شده بود که آتش سوزی سینما کارگروهی است که در فلسطین فعالیت دارند حال با توجه به ارتباط نزدیک حسین تکبعلی زاده با هاشم صباغیان و همچنین بردن نوار فیلم مربوط به ماما حبه بعد از فاجعه توسط قطب زاده (که دلیلش ترس وی از افشای این فاجعه می‌باشد) و با در نظر گرفتن اینکه صباغیان و قطب زاده در ارتباط با سازمان امل بوده‌اند و عملکرد سازمان امل در رابطه با مبارزات مردم فلسطین نه تنها در خدمت آرمانهای مردم ستمدیده و آواره فلسطین نبوده بلکه با عملکردهای مشکوک خود ضرباتی به مبارزات مردم فلسطین وارد نموده و با شیوه‌های توطئه آمیز و ناسا- جوانمردانه عملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بوده است آیا می‌توان سوال کرد: نقش سازمان امل در رابطه با فاجعه سینما رکس چه می‌باشد؟

ما طی تحقیقاتمان در رابطه با فاجعه سینما رکس به اسمی اشخاص بسیاری که در رابطه با سازمان امل بوده‌اند برخورد کرده‌ایم که از کثرت نام این افراد تا تحقیقات کافی خودداری می‌کنیم. هیئت حاکمه باید جواب دهد سازمان امل بخصوص در خوزستان دارای چه نوع فعالیت‌هایی بوده است و چه اشخاصی در رابطه با این سازمان فرار گرفته‌اند؟

"فرج بزرگوار" یکی از عاملین فاجعه که سوخته است در بازار جمشید آباد مغازه رادیوسازی داشته. درست یک هفته بعد از فاجعه سینما رکس بازار جمشید آباد آتش می‌زنند و به گفته شاهدان عینی آتش سوزی درست از محوطه مغازه فرج بزرگوار شروع می‌شود؟ آیا احتمال این نیست که این آتش سوزی به قصد از بین بردن مغازه فرج بوده تا اگر اسنادی در مغازه مخفی شده و بیابانکار ارتباطی می‌باشد، نابود گردد؟ ضمناً شایع است به گفته شاهدان عینی آقای "حاج خرمی" قبل از فاجعه سینما در بازار جمشید آباد

رفت و آمدهای زیادی داشته است. و همانطور که با رها گفته‌ایم در گذشته هیئت‌هایی که برای بررسی پرونده فاجعه سینما رکس به آبادان می‌آمدند توسط حاجی خرمی و "حاجی دوانی" پذیرائی می‌شدند. طبق اسنادی که در دست داریم "حاج خرمی" در هنگام قیام هم با عوامل رژیم پهلوی و هم با عوامل رژیم فعلی همکاری می‌کرده است. و عضو کمیون به اصطلاح امنیست اجتماعی در زمان رژیم منفور گذشته بوده است.

در پایان ما با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان، متحصن در اداره، دارای یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که تا افشای کامل این جنایت و تشکیل دادگاه علنی و محاکمه علنی عاملین دست از مبارزه و بیگیری خود نخواهیم کشید. و در این راه تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهیم کرد. هرگونه حادثه‌ای که در جریان تحصن برای ما با زماندگان پیش بیاید عهده هیئت حاکمه است چرا که مسلمانان آن از طرف عوامل و جریانی چیده شده که در فاجعه دست داشته‌اند و خود را در خطر افشای شدن می‌بینند.

ما مردم قهرمان آبادان و ایران را به پشتیبانی از خواسته‌های بحق خود دعوت می‌نمائیم. افشا و مجازات عاملین این فاجعه بزرگ در رابطه با سرنوشت تمام ملت ایران می‌باشد زیرا زمانی که این چنین جانمایی آزادانه می‌کردند و حتی عهده دار مسئولیت‌هایی در ارکانهای مملکتی می‌باشند. ملت ما نمی‌تواند نگران سرنوشت خود و میهن عزیز نباشد.

افشا و مجازات این عاملین در خط مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان است. چرا که اینانند که تکیه‌گاه و پویا یکا داخلی امپریالیسم آمریکا در ایران میباشند و آمریکا جای جهانخواه کمک این عوامل و عواملی نظیر اینهاست که دست به توطئه‌هایی بخاطر منافع خود و بر علیه مردم عزیز میهن ما میزنند.

ما خواهان افشاء و مجازات تمامی دست‌اندرکاران و طراحان فاجعه بزرگ سینما رکس آبادان در هر پست و لباسی می‌باشیم.

جاوید با دخالطه شهدای سینما رکس آبادان.

و

تمامی شهدای به خون خفته خلقی

با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان محسن در اداره، دارای

بقیه از صفحه ۱ مصاحبه...

فاجعه سینما رکس انجام داده‌اند:

با تسلیم از طرف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در آبادان

برای روشنتر شدن اذهان عمومی و پی بردن به عمق فاجعه دردناک سینما رکس و همچنین اقدامات، برخوردها و اتفاقاتی که طی مدت تحمن برای تان اتفاق افتاده و مدارک و اسنادی که کشف کرده و در اختیار دارید از سخن گوی با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس، متحمن در اداره رایبی (خواهش میکنیم) در این رابطه چند سؤال جواب بدهند:

س- از تحمن شما چند روز میگذرد؟

ج- ۸۸ روز

س- طی این مدت در رابطه با فاجعه، شما چه مدارکی را کشف و ارائه کرده‌اید؟

ج- (مدارک و شواهدی) را که در این رابطه بدست آورده ایم طی افشاگریهایی که داشتیم از همین محل به اطلاع جمع کثیری از مردم که جهت شنیدن افشاگریها اجتماع می‌کردند، رسانده ایم. فکرمی کنیم مردم نوار آنرا داشته باشند.

س- عکس العمل مسئولین در آبادان در رابطه با مدارک مطروحه چه بود؟

ج- تنها سکوت و توطئه.

س- برخورد هیئت حاکمه فعلی در رابطه با فاجعه تا کنون چه بوده است؟

ج- بی تفاوتی و سکوت.

س- به نظر شما چرا هیئت حاکمه بعد از ۱۶ ماه که از قیام خونین خلقهای میهنمان میگذرد و بخصوص بعد از قریب ۳ ماه از تحمن شما گامی در جهت افشای پرونده برداشته است؟

ج- دقیقا باینکه این خاطر باشد که عناصری در هیئت حاکمه هستند که دستشان به این جنایت آلوده است.

س- سپاسیها و تبلیغات زهرآکینی از طریق ارگانهای محلی دولتی درباره تحمن شما به عمل آمده است به نظر شما چرا هیئت حاکمه که خود را به توده‌ها بظا هر ضدا مپریالیست معرفی می‌کنند از افشای پرونده هراس دارند. مگر افشای عاملین فاجعه گامی در جهت افشای مپریالیسم نیست و مگر نه اینکه عاملین اصلی خود عمال آمریکا هستند؟

ج- دقیقا همین طور است چنانکه همیشه گفتیم حرکت ما جدا از مبارزه ضدا مپریالیستی نیست و نمی‌تواند

باشد و هیئت حاکمه از این وحشت دارد.

س- آیا ارگانهای محلی مسئول علاوه بر عدم افشای پرونده، اقدامات دیگری در جهت تضعیف تحمن شما نموده‌اند و اگر چنین است به چه طریق؟

ج- آنها کوشیده‌اند مردم را علیه ما تحریک کنند و با در اختیار داشتن تمام وسایل ارتباط جمعی سعی کرده‌اند بر چسب‌هایی از قبیل: "اینها با زماننده نیستند"، "اینها ساواکی هستند"، "اینها از رژیم گذشته هستند" و غیره، به ما بزنند و تا آنجا که توان نشان بوده‌می‌خواسته‌اند این تحمن را وابسته به گروهها و سازمانهای سیاسی، حتی وابسته به رژیم گذشته جلوه دهند.

س- چند روز پیش دکتر بهشتی در مصاحبه تلویزیونی



کفتند که تا یک هفته دیگر به پرونده سینما رکس رسیدگی می‌شود آیا از زمان آن مصاحبه تا کنون گامی در جهت افشای پرونده برداشته شده؟

ج- در این ۱۷ ماه از این قول و وعده‌ها زیاد داده‌اند تنها بهشتی نبوده، امثال بهشتی‌ها مرتب قول میدادند، ولی عمل هیچ.

س- در طی این ۳ ماه که شما متحمن هستید آیا از طرف مردم آبادان از خواسته‌های شما اعلام پشتیبانی شده اگر شده به چه طریق؟

ج- پشتیبانی شده، اما آنطور که انتظار می‌رفت نه، پشتیبانی فقط در حرف و صحبت، ما از مردم عمل می‌خواهیم، می‌خواهیم که از دولت بخوانند که اقدام کند مثلا با زاریها با تعطیل مغازه‌ها و آنها که کار میکنند از دولت بخوانند که به خواسته‌های با زماندگان

رسیدگی شود و بگویند و بگویند، برای حمایت از ما دست به کارهایی می زنند. بطور نمونه به یک اعتصاب هشت ساعته دست بزنند و...

س- با توجه به گفته های شما هیئت حاکمه تا کنون نشان داده که نه می تواند و نه می خواهد به خواسته های انقلابی توده ها و مشخصا خواسته شما که افشای پرونده می باشد، جواب دهد با توجه به این مسئله اقدام نهایی شما در این رابطه چه می تواند باشد؟

ج- ما تا جواب قطعی نگیریم یعنی فاجعه افشا نشود به تحصن خود ادامه می دهیم و انتظار ما این است که توده ها به ما بپیوندند و خواسته هایمان را از دولت بخواهند. همانطور که در رژیم گذشته می گفتند: "فاجعه سینما رکس افشا باید گردد." الان هم این شعار را دوباره تکرار کنند. طی این ۱۷ ماهی که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد بیشترین بهانه ای که هیئت حاکمه در رابطه با پرونده عنوان کرده است نبودن با زیرس است آنها مرتبا گفته اند با زیرس نداریم. ما این او خرابه ای به استاد عالی تهرانی نوشتیم. ایشان اعلام کردند که "حاضر رسیدگی به پرونده را عهده دار شوم و از طرف امام در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۵۸ نیز منصب قضاوت شرعی در تمام شهرستانهای استان خوزستان به من داده شده است." ما نامه ای به امام و ارگانهای مملکتی نوشتیم ولی متاسفانه رئیس جمهور تا کنون جواب نداده. دومین تلگراف را هم فرستادیم با هم رئیس جمهور و ارگانهای مسئول سکوت کرده اند تا سی تلفنی با استاد تهرانی گرفتیم ایشان گفتند که "من طبق معمول آماده هستم و فقط منتظر حکمی هستم که امام یا آقای بنی صدر به من بدهند آماده هستم تا هر لحظه که مرا بخواهند به آبادان بیایم و رسیدگی به پرونده را شروع کنم." اینکارها را ما انجام داده ایم ولی تا کنون هیچیک نه امام و نه آقای رئیس جمهور حکمی به علی تهرانی نداده اند و آقای تهرانی منتظر است که حکم را تحویل بگیرد تا به پرونده رسیدگی نماید.

بعد از ما حبه با سخنگوی با زماندگان، تعدادی از با زماندگان متحصن در اداره رایبی نیز گفتگویی انجام شده که در زیر می آید:

س- پدر ضمن عرض تسلیت، شما چند نفر از خانواده تان را از دست داده اید؟

ج- بسم الله الرحمن الرحیم، بنا خدا و به یادشده ای

سینما رکس آبادان. من پدری داغ دیده ام، جوان ۲۱ ساله ام را از دست داده ام. ما از دولت، از مسئولین مملکت، از امام و رئیس جمهور با رها خواسته ایم که به کارهای ما رسیدگی کنند ۸۸ روز است که متحصن هستیم خواسته های ما اینست که هیئت ویژه با زیرسی برای رسیدگی به پرونده سینما رکس بیاید و دادگاه علنی تشکیل دهند و دست اندرکاران این فاجعه را دستگیر کنند. خواسته های ما همین است.

س- آیا هیئت حاکمه منظورم دولت و شورای انقلاب تا کون قدمی در جهت خواسته های شما برداشته و اگر بر دستا بده چه طریق و اگر بر نداشت چه چرا؟

ج- قدمی که بر نداشتند هیچ بر علیه ما تحریک هم نشود. هر روز شعار میدهند که شما با زمانده نیستید و



یا که شما فلان و یا بهمان هستید. س- این تبلیغات از طرف چه کسانی انجام میشود؟ ج- از طرف یک گروه بخصوصی. یکی دیگر از افراد متحصن میگوید:

بنا خدا و به یادشده ای فاجعه سینما رکس آبادان من یک مادر داغ دیده هستم و تا از فرزندان و عروس مرا از دست داده ام. الان دو سال است که قیام کرده ایم، هرکاری که فکر می کردیم درست است بچه هایمان انجام داده اند. دوندگی زیاد کردیم، پیش ما م رفتیم خودم شخما دستا ما را بوسیدم به او گفتم: "ما من از تو هیچ نمی خواهم فقط قاتل بچه هایمان را دستگیر کن مثل اینست که تمام دنیا را به ما داده ای" اما م قول داد ولی الان ۳ ماه است تحصن کرده ایم. هر برجی

نمیرویم تحصن مان را نمی شکنیم تا قاتلین بچه‌ها -
 یمان را پیدا کنند من مادر هستم. بجای همه مادران
 داغ دیده صحبت میکنم. ما بیشتر از ۱۰۰۰ نفر از دست
 داده ایم، اینها سوخته اند اینها جزغاله شده اند. چرا
 دولت به حال ما رسیدگی نمی کند. اگر ریگی در کفش
 ندارد بیا پدری کنی کنده ما اینجا می نشینیم تا دولت
 جواب ما را بدهد، از اینجا بیرون نمی رویم.

س- مادر به نظر شما دولت بعد از ۱۶ ماه که از قیام
 میگذرد و بعد از ۳ ماه از تحصن شما آیادی می تواند بده
 خواست انقلابی شما جواب دهد؟

ج- خیر، ما به همه جا بلکراف کردیم، به بنی صدر به



سازی از اعداد بطوری سوجه است که قسمت بیشتر ادماها از سر رفت، بطور صحنه سال گورستان امداد را پوشانده بود

آقا، خودمان سخما پیش آقا رفسیم. خودم دوبار دست آقا را
 بوسیدم ۲۵۰ نفر بودیم تولد حضرت رضا بود. همه ما دست
 آقا را بوسیدیم، گفتیم ما قاتلین بچه‌ها یمان را می-
 خواهیم گفت خوب بروید تا سه مرتبه گفتیم، گفت بروید
 که رسیدگی می کنیم. به قدوسی می گویم که به پرونده
 - تا ن رسیدگی کند. تا حالا که نکرده اند، ما تا الان
 چقدر تلکراف زده ایم، به دولت به شورای انقلاب، به
 همه جا، جواب ما را نداده اند.

با زمانه دیگری گفت: روی سخمن با همشهریان
 عزیزم می باشد. آیا از خودتان سؤال کرده اید بعد از
 ۱۷ ماه که از پیروزی انقلاب و ۸۸ روز از تحصن ما می-
 گذرد چه راحت شما را تحریک می کنند حتی در هشتاد و
 چهارمین روز تحصن عده‌ای از پدران و مادران را رو-

به ما زده اند. مگر ما از این دولت چه می خواهیم، مگر
 خواسته ما چه است. ما مادران، پدران، خواهران
 خواستهای نداریم جز دستگیری قاتلان. آخر برای چه
 مگر ما چه گناهی کرده ایم که هر تهمتی به ما میزنند، به
 حال ما رسیدگی نمی کنند فقط قول میدهند. از این
 قولها زیاد داده اند، مثلاً می گویند تا ۱۵ روز دیگر
 درست می شود، پرونده سینما افشا می شود. پس کی دیگه
 افشا می شود.

س- به نظر شما چرا افشا نمی کنند؟
 ج- من چه می دانم. لابد دست خودشان داخل آن است.
 الان چند ماه است ما رفتیم پیش اما من خودم دست
 اما مرا گرفتیم بوسیدم گفتم ما من از نوهیچی
 نمی خواهم جز قاتل بچه‌ها مون آخر برای چه همه ما
 بر حسب می زنند، مگر چیزی از کسی خواستیم چیزی از
 دولت خواستیم که غیر قانونی است اگر غیر قانونی
 است بگویند تا ما را مجازات کنند.

یکی از مادران شهدا ضمن اینکه به سختی قادر
 بود جلوی گریه اش را بگیرد چنین گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم به یاد شهدای سینما
 رکس، من یک پیرزن، سید، ۷۵ سال از عمرم رفته یک
 پسر داشتم از دستم رفت. جوانی که ۲۴ ساله بود و صبح
 فردای فاجعه را و کمرا ز نیم کیلو ذغال بدستم آمد.
 غیر از قاتل بچه‌ها مدیگر هیچی نمی خواهم. قاتل بچه-
 ام اینجا بایدمحا که شود در دادگاه علنی محاکمه شود.
 مادر دیگری گفت:

من نمی گویم در این مدت سه ماه آمده اند سنگ -
 بارانمان کرده اند یا نکرده اند اینها بمانده می-
 فهمند که چه کرده اند، اما ما قاتلین بچه‌ها یمان را می
 - خواهیم تا ندهند از اینجا رد نمی شویم. ایست
 خواسته ما است.

یکی دیگر از متحصنین:
 بسم الله الرحمن الرحيم به یاد شهدای سینما
 رکس. من یک مادر داغ دیده هستم. بچه‌ها مرا ۱۰ سال به
 بنیمی بزرگ کردم. سه ماه است در اینجا متحصن هستم
 چرا به حال ما رسیدگی نمی کنند به همه جا رسیدگی
 کردند مسجد کرمان، میدان ژاله، فاجعه هواپیما آنها
 تحصن کردند به خواسته‌شان جواب دادند، چرا به ما
 نمی رسند مگر ما کافر هستیم، چرا آقا در پارسی می گفت
 سینما رکس ما در انقلاب است. اما حالا فراموش شده؟
 ما تا به خواسته‌ها یمان نرسیم از ادره‌ها را بی بیرون

که ۲۴ ساله بود. اول از خدا دوم از ملت می خواهم که خواسته های ما را برآورده کنند. ۳۰ ماه روزگار است نشسته ام اینجا یک قدم بیرون نرفته ام بجز دو دفعه که رفتم سربقبر شهیدان همه جمع شده بودیم عده ای میگفتند "شما شهیدندارید"، "شهیدهای شما شهید نیستند"، "شهیدهای شما کمونیست هستند" این حرفها را به ما می زنند.

درست نمی دانم در چه تاریخی بود که به ما حمله کردند. همه دویدیم وسط خیابان پاهای همگی مان تا اول زد جوانها همه پاهایشان تا اول زد. پاهایشان را دوازدهند. تمام عکسها و پوسترها را با چاقو پاره کردند من هیچکس را ندارم جز این عزیزم که سوخته و خود هم ندیدمش.

ضمن عرض تسلیت مجدد به همه شما از طرف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آبادان از همه شما تشکرمی کنیم که این اجازه را به ما دادید که چند دقیقه ای پای صحبت شما بنشینیم تا بتوانیم بهتر خواسته های شما را که خواسته های همه مردم مبارز آبادان است به گوش هموطنان برسانیم

من امیدوارم که مردم مبارز آبادان در راه اهداف و خواسته های انقلابی شما به کمکتان بشنابند و شما را یاری دهند و این اطمینان را بشما می دهم که سازمان ما کاملاً به کام در راه تحقق اهداف شما و کلیدزحمتکشان و ستمدیدگان خلق قدم بردارد. خلی مسکرم

به روی دارایی آورده بودند می گفتند: تحصن تحصن کارمنافقین است "چرانمی پرسند دولت بعد از ۸۴ روز جرابوابینهارانداه. این سؤال برایتان پیش نیامده که چرا هر مسئول یا مقامی به آبادان می آید فقط قول میدهد. ۱۷ ماه تمام به ما قول دادند کمی فکر کنید ۸۸ روز از تحصن و ۱۷ ماه از عمر جمهوری - اسلامی می گذرد. چرا دولت سکوت کرده، چرا فقط قول میدهد دولتی عمل هیچ. از پیش از ۱۰۰۰ شهید تنها حد ذغال شده ۴۰۰ تنای آنها بدست آمد. به ما می گویند: "شما آمریکایی هستید"، "تحصن دارایی ترولتیکسه آمریکا". ما داریم آمریکا را اقتضای کنیم پس چطور می شود تحصن دارایی تروطنه آمریکا باشد. چطور ممکن است ما وابسته به رژیم گذشته باشیم "استفراغ رژیم گذشته" باشیم (عبارتی است که آذری قمی هنگامی که با عده ای برای بهم زدن تحصن ما آمده بود گفته است) و رژیم گذشته سینما رکس را به آتش کشیده باشد. ما می گوئیم چنانیت سینما رکس کارگر هست باید افاضا شود. مگر فیل از قیام همه نمیگفتند فاجعه سینما افاضا یا نکردند. چرا بعد از پیروزی کرد فراموشی روی آن پاشیدند ما به تحصن خودنا برپایی یک دادگاه علنی توسط بازپرس ویژه ادامه خواهیم داد.

مادری گفت: بسم الله الرحمن الرحیم. سلام خدا خواسته های ما این است که فانیان این عزیزها را بکنند و دستمان بدهند. آرزو من یک بجاهم بود

